

معجزه نماز اول وقت



فتاویٰ رضویہ
حجت الاسلام والمسلمین حسین ابراہیمی

یکی از موضوعاتی که در معارف دینی ما زیاد به آن پرداخته شده است، موضوع نماز اول وقت است. آنچه در یک جمله می‌توان درباره این موضوع گفت، این است که اهمیت نماز اول وقت به اندازه اهمیت اصل نماز است. مثال‌های زیادی هم در این باره برای تقریب به ذهن وجود دارد؛ مثل آنکه می‌گویند دکتر وقتی دارویی را برای بهبودی بیماری تجویز می‌کند، یک برنامه زمانی هم برای مصرف آن دارو تعیین می‌کند و در نهایت می‌گوید اگر این دارو در این برنامه زمانی مشخص مصرف نشود، تأثیر مطلوب را نخواهد گذاشت. حالادر مورد نماز هم همین مطلب صادق است، از آن نظر که نماز اول وقت با نمازی که آخر وقت خوانده شود، اصلا مقایسه شدنی نیست، آن جایی که امام صادق ^(ع) می‌فرمایند: «فَصَلِّ الْوَقْتَ الْأَوَّلَ عَلَى الْآخِرِ كَفَضْلِ الْآخِرَةِ عَلَى الدُّنْيَا».

ثواب الأعمال، فضیلت اول وقت [نماز] بر آخر وقت، همچون فضیلت آخرت بر دنیااست.

درباره آثاری که بر نماز مترتب است و تمراتی که برای اصل نماز گفته شده است، بر نماز اول وقت است که جاری می‌شود، جمله عجیبی نقل شده است؛ آیت... قاضی گفته‌اند: «هرکه نمازش را اول وقت خواند و به مقامات نرسید، مرا لعنت کند». ایشان می‌گفتند: «نماز را بازاری به جانیاورید، اگر نماز حفظ شود، همه چیزتان حفظ می‌شود»، از شاگرد ایشان، آیت...العظمی بهجت، پرسیدند: «منظور استاد شما، آقای قاضی، از نمازی که انسان را به مقامات عالیه می‌رساند، نمازهای با حضور قلب و خضوع و خشوع است؟»، ایشان بلافاصله جواب دادند: «نه، همین نماهای معمولی را اگر فردی در اول وقت مقید باشد، به نماز عالی می‌رسد و هرکه به نماز عالی برسد، به مقامات عالی هم می‌رسد».

همچنین حکایت‌های زیادی درباره آثار عجیب مقید بودن به نماز اول وقت حتی در شرایط دشوار نقل شده است.

از شهید سرافراز، عباس بابایی، نقل شده است: «خلبان شدن من هم عنایت خدا بود. قرار بود بعد از پایان دوره در کشور آمریکا، مصاحبه نهایی را یک ژنرال آمریکایی با من انجام دهد. تمام تلاش‌های این دو سال، بستگی به همین مصاحبه داشت.

وقتی وارد اتاق او شدم، از من پرسش‌هایی کرد و من پاسخ دادم. بعد از چند دقیقه، فردی وارد اتاق شد و ژنرال با او رفت و من باید در اتاق، منتظر او می‌ماندم. به ساعت نگاه کردم. وقت نماز ظهر بود. با خودم گفتم کاش در اینجا نبودم و می‌توانستم نماز را اول وقت بخوانم! ازطرفی ممکن بود نماز خواندن من در آنجا باعث دردسر شود، ولی با خودم گفتم هرچه یادابا داد! هیچ کاری مهم‌تر از نماز نیست.

در گوشه‌ای از اتاق، روزنامه‌ای پهن کردم و مشغول نماز شدم. در همین لحظه ژنرال وارد اتاق شد، ولی من با توکل بر خدا، نماز را ادامه دادم. نماز که تمام شد، از ژنرال عذرخواهی کردم و ژنرال پس از چند لحظه سکوت، نگاه معناداری به من کرد و گفت: چه می‌کردی؟ گفتم: عبادت می‌کردم، گفت: بیشتر توضیح بده! گفتم: در دین ما دستور بر این است که در ساعت‌های معین از شبانه‌روز باید با خداوند به نیایش بپردازیم و در این ساعات، زمان آن فرارسیده بود... من هم از نبودن شما در اتاق استفاده کردم و این واجب دینی را انجام دادم. ژنرال با توضیحات من سری تکان داد و گفت: همه این مطالبی که در پرونده توآمده است، مثل اینکه درباره همین کارهاست. این‌طور نیست؟ پاسخ دادم: آری، همین‌طور است. او لبخندی زد. از نوع نگاهش پیدا بود که از صداقت و پای‌بندی من به سنت و فرهنگ و رنگ‌نیاختمن در برابر تجدید جامعه آمریکا، خوشش آمده است. با چهره‌ای بشاش، خودنویس را از جیبش بیرون آورد و پرونده‌ام را امضا کرد. سپس با حالتی احترام‌آمیز از جا برخاست و دستش را به‌سوی من دراز کرد و گفت: به شما تبریک می‌گویم، شما قبول شدید. برای شما آرزوی موفقیت دارم. من هم متقابلا از او تشکر کردم. احترام گذاشتم و از اتاق خارج شدم. آن روز به اولین محل خلوتی که رسیدم، به به پاس این نعمت بزرگی که خداوند به من عطا کرده بود، دو رکعت نماز شکر خواندم». آری، این است معجزه نماز اول وقت.

بردار و بخوان

ارزش خانواده و زوجیت

یکی از نهاد‌های مهم در اجتماع، نهاد خانواده است. این کانون مقدس و مهم به غیر از اینکه پاسخی جامع به نیازهای بشری است، از ارکان مهم بقای اجتماع و ضامن سلامت و بهره‌وری بیشتر افراد جامعه نیز به‌شمار می‌رود. در سال‌های اخیر با ورود فناوری به حوزه‌های علوم‌انسانی، درمیان بزرگان مباحث کارآمدی مثل رابطه خانواده و دین و اصول خانواده دینی، مطرح شده است. کتاب امروز به نام «اهل بیتی‌ها» دربرگیرنده سخنرانی‌های حجت‌الاسلام والمسلمین «محمدرضا عابدینی» است که در پاسخ به «درخواست رهبر معظم انقلاب، از جامعه‌مداحان و سخنوران مجالس حسینی» نگاشته شده است. ایشان با تذکر به جامعه‌مداحان، رهنمودهایی درباره حفظ و تدوین و جوه ارزشمند نهاد مقدس خانواده بیان کرده و از فعالان این عرصه خواسته بودند این نکته را مد نظر قرار دهند که دشمن در کمین نظام خانواده نشسته است و شما باید مبارزه با این‌ها را جزو برنامه‌های خود قرار دهید.

این اثر با هدف تحقق تبیین ابعاد خانواده ولایی، با تکیه بر مجالس حسینی در سه گفتار تدوین شده است. گفتار اول تلاش می‌کند ماهیت خانواده را تعریف کند و مراتب خانواده را شرح دهد. برای این کار، مباحثی چون جایگاه زوجیت و ارزش آن در نظام هستی، بررسی و به فلسفه و فضیلت ازدواج به‌عنوان کانون اولیه خانواده پرداخته می‌شود. در این بخش، خانواده‌تیاره‌ار رسیدن به سعادت انسانی تشخیص داده شده است. بخش مهم دیگر این گفتار، حقیقت خانواده و مراتب رجم است که اولویت ارحام در آن یادآوری می‌شود و اهمیت ارتباط با ارحام، یکی از شاهراه‌ای حفظ خانواده دانسته می‌شود.

در گفتار دوم، پیوندها و گسست‌های خانوادگی، به‌صورت دقیق وמושکافانه تشریح و ارزیابی می‌شود. این فصل با تأکید بیشتری موضوع صله‌ارحام را بیان می‌کند و پیوندها و گسست‌ها را در چارچوب آن توضیح می‌دهد. زیرموضوعاتی مانند سختیت محبت والدین با محبت الهی، تأثیر والدین در نسل و ذریه، آثار صله‌رحم در زندگی، آثار صله‌رحم در حیات جامعه، قطع رحم و... نیز در این بخش قرار دارد. در بخش سوم کتاب به الگوی توسعه یک خانواده ولایی پرداخته می‌شود. در این الگو بر اهمیت فرزندآوری و توسعه خانواده تأکید شده و نقش روابط الهی در مسیر تشکیل خانواده، یک نقش ایده‌آل خوانده شده است. مهم‌ترین قسمت این گفتار، بحث هیئت به‌عنوان نقطه تلاقی رحم طینی و رحم دینی است. عناصر موجود در کرپلا، نمونه‌های زیبایی هستند که نقش خانواده را در آن می‌بینیم و نویسنده، الگوهای جالبی را در این قسمت به مخاطب معرفی می‌کند. از دیگر مطالبی که در این بخش می‌خوانیم، موضوعاتی نظیر آثار و برکات هیئت‌های خانوادگی، نقش بانوان در هیئت وظرفیت محبت در هیئت است.

برشی از کتاب، ...:
در این نیم ساعت، تقریباً خمس مطالعات خود را برای شما گفتم. حالا شما من را دعا کنید! من خدمتگزار شما هستم. خدمتگزاری که در خانه شما باشد، ظرف شما را بشوید، غذا برای شما تهیه کند و آن حیات مُلکی شما را تهیه می‌کند، او هم سزاوار دعاست، اما من می‌روم از شما انبساط نیوت این طلاها و بالاتر از طلا را برای شما می‌آورم و عرض می‌کنم و به توفیق پروردگار دل‌های شما را اشراب می‌کنم و... آیا من سزاوار نیستم که مورد دعای شما باشم؟».



شهر
SHAHARNEWS.IR
۱۳شنبه
۱۳۲۵۰۷شوال
۱۳۲۵شماره

۱۴



چگونه به ساحل امن و امان توکل به خدا برسیم؟

و تنها خداوند کافی است

حمیده ذاکری در دنیایی که همه‌اش بیم موج و گرداب و طوفان است، اتکا و اعتماد به قدرتی که بالاتر از ما و آگاه‌تر از ماست، می‌تواند ما را امیدوار به نجات کند و این نوید را بدهد که درنهایت به ساحل امن خواهیم رسید. آن‌که این امید را داشته باشد، در عین طوفان هم قلبش گرم است و پشتش گرم است که هیچ لحظه‌ای تنها نخواهد ماند. حال سؤال اینجاست که می‌دانی این نقطه اتکا کیست و این روزنه امید چطور به‌دست می‌آید؟ آموزه‌های دینی توکل به خدا را مساوی با رسیدن به ساحل امن وامان می‌دانند. مفهوم توکل با مفاهیمی چون اعتماد، اتکا و اعتصام به خدا و نیز مفاهیمی ارقبیل تفویض الامر الی... مترادف و نزدیک است. در بعضی روایات به جای لفظ توکل، لفظ «الثقه» به‌کار رفته است. از امام جواد ^(ع) نقل شده است: «الثَّقَّةُ بِا... تَعَالَى تَمُنُّ لِكُلِّ غَالٍ وَ سَلَّمَ إِلَى كُلِّ غَالٍ؛ اعتماد کردن به خدا، پهای هرچیز نفیس و گران‌بها و تردبانی برای هر مقام بلند است». این ثقه همان توکل یا مفهومی بسیار نزدیک به آن است. برای شناخت این مفاهیم، به‌سراغ منبر علما رفته‌ایم؛ باشد که با معنا و مفهوم توکل بیشتر آشنا شویم و بتوانیم از آن برای رشد و کمال بهره ببریم.



توکل، کلید خوشبختی

یکی از کلیدهای مهم خوشبختی، اعتماد به خدا و توکل است. توکل به معنای واگذار کردن و سپردن امور به قدرتی است که به آن اعتماد داریم. ما در مسیر زندگی در حال استفاده از نیروها و امکانات بسیاری هستیم و اگر دقیق‌تر نگاه کنیم، نیروهای درونی و ظاهری بسیاری، ما را کمک می‌کنند. اما اینکه ما تا چه مقدار می‌توانیم به این نیروها اعتماد کنیم، مهم است. هیچ نیرویی بالاتر و برتر از نیروی خداوند متعال نیست، پس در این دنیا، تنها نیرویی که انسان می‌تواند به‌طورکامل به آن اعتماد کند و به آن یقین داشته باشد، خداوند است. خداوند تنها وجودی است که زوال‌ناپذیر است و تکیه‌گاهی برای ما خواهد بود. انسان بدون خدا بسیار تنهاست و این امر به‌خصوص در زمان مرگ به‌خوبی مشاهده می‌شود.

حجت‌الاسلام والمسلمین محمدجواد حاج‌علی‌اکبری

توکل، پلی رحمانی است

توکل و حسن ظن به خدا امید می‌آورد. علامه طباطبایی می‌گوید: «توکل، پل رحمانی است؛ آدم را کفایت می‌کند، رشد می‌دهد». این دوتا آیه را خیلی بخوانید، سفارش پیغمبر ^(ص) است: «وَمَنْ يَتَّقِ ا... يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا، وَ يُزَفِّقْهُ مِنْ خَيْثُ لَا يَخْتَسِبُ وَ مَنْ يَتَّوَكَّلْ عَلَى ا... فَهُوَ خَشْبُهُ إِنَّ ا... بَالِغُ أَمْرِه قَدْ جَعَلَ ا... لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا» (سوره طلاق، آیات ۳ و ۲).

در سفارش‌های مرحوم آقای نخودکی به حضرت امام ^(ع) هم هست خواندن این دعا بعد از نماز در تعقیبات. امام سجاده ^(ع) یک مناجات دارد به نام مناجات امیدواران (راجین) که در فماتبح هست. خیلی الفاظ تشنگی دارد: «يَا مَنْ بَالِغُ مَقْشُوحٍ لِدَاعِيهِ، اَيِ خَدَائِي كِه در خانه تو باز است به‌سوی آن‌هایی که تو را بخوانند».

«وَ جَاهُئْ مَرْفُوعٍ لِرَاجِيهِ، بَرَايِ آن‌هایی که به تو امید ببندند، حجابی نیست، راحت می‌آیند با تو حرف می‌زنند». راحت حرف بزنید با خدا به زبان فارسی، گوشه‌ای بنشینید، درددل کنید، خدا کمکتان می‌کند.

ابوطیار یک تاجر ورشکسته بود. در کوفه مغازه‌اش خالی از جنس بود. طلبکارها به او فشار می‌آوردند. آمد خدمت امام صادق ^(ع) زانوی غم بغل گرفت و نشست. آقا فرمود چه شده است؟ گفت: آقا! ورشکست شدم. آقا فرمودند: ناامید نباش! من یک راهکار به تو بدهم، عمل می‌کنی؟ گفت: بله. آقا فرمودند: صَلِّ رُكْعَتَيْنِ او اربع رُكْعَاتٍ». یا شو برو خانه‌تان، دو رکعت یا چهار رکعت، حالا هرچه حال داری، نماز بخوان و بعدش این دعا را بخوان: «تَوَخَّهْتُ بِخَوْلٍ ا... وَ قُوَّتِهِ يَلَا خَوْلٍ مِثِّي وَ لَا قُوَّهَ وَ لَكِنْ يَا رَبِّ بِخَوْلِكَ يَا رَبِّ وَ قُوَّتِكَ اِنِّرَا إِلَيْكَ مِنَ الْحَوْلِ وَ الْقُوَّهِ اِلَّا مَا قُوَّتَيْنِي...». خدا یا! من از حول و قوه خودم رقتم بیرون. کاری از من بر نمی‌آید. من تکیه کردم به حول و قوه تو». گفت: چشم! بلند شد آمد، نماز خواند و این ذکر را هم گفت و رفت در مغازه خالی را باز کرد. دید یک نفر بارچه می‌فروشد. صدایش زد، با او شریک شد. بالاخره بعد از مدت کوتاهی زندگی‌اش از این‌رو به آن‌رو شد.

حجت‌الاسلام والمسلمین ناصر رفیعی

بقیه‌اش با من است

خود می‌گوید: کار من این نیست که مشکلات خودم را رفع و زندگی‌ام را درست کنم؛ البته ممکن است جایی خدای متعال روی دوش انسان تکلیفی بگذارد و بگوید برو و به این اندازه دنبال معیشت باش که آن‌هم تکلیف است و نتیجه‌اش به من مربوط نیست، پس معنای توکل این نیست که انسان بنشیند و کار نکند، بلکه توکل یک حد باطنی است که آن یقین است. در یک روایت نورانی که از رسول ^(ص) نقل شده، آمده است که ایشان از جبرئیل سؤال کردند: «توکل چیست؟» (البته این سؤال، سؤال استاد از شاگرد است) جبرئیل به حضرت عرض

خداوند فرموده است: روزی، امنیت و... با من، تو فقط به تکلیف عمل کن و کاری با بقیه‌اش نداشته باش. خداوند به موسی ^(ع) فرمود: من می‌گویم بنی‌اسرائیل را بردار و ببر، کاری هم به بعدش نداشته باش! بقیه‌اش با من است. من دریا را برای شما باز می‌کنم و فرعون و قومش را هم در همین دریا غرق می‌کنم، بنابراین توکل یعنی به خدا اعتماد و به تکلیف عمل کن و کار خدا را به خدا واگذار کن. حال اگر انسان این نقش را تغییر داد، دائم در دنیا خسته است، ولی اگر این نقش را به خدا واگذار کرد، دائم راحت و در آسایش است؛ زیرا با

توکل این نیست که تنبلی کنیم

درست است که خدا انسان‌ها را هر لحظه امتحان می‌کند اما امتحان‌های خدا هر روز نیست. آیا خدا ابراهیم ^(ع) را هر روز امتحان کرد؟ بله، اما چندبار امتحان گرفت که برو سر فرزندت را ببر؟ یوسف ^(ع) را هر روز امتحان کرد، اما چندبار ماجرای خانه زلیخا پیش آمد؟ واقعه کرپلا چندبار بود؟ همه یک‌بار، شاید در عمر هر انسانی یکی دومرتبه بیشتر این اتفاق پیش نیاید، اما اگر انسان همان یک‌بار از قبل نداند که چه‌کار باید بکند، زمین می‌خورد. خداوند در این آیه سوم سوره طلاق می‌گوید جایی که راه برایتان بسته است، با من معامله کنید. خطوط قرمز را زیر پا نگذارید. هرکه به خدا توکل کند، خداوند برایش کافی است. توکل این نیست که تنبلی کرده و کارمان را به خدا واگذار کنیم؛ توکل یعنی تو بندگی کن و خدایی را به خدا بسپار، اما آنچه از دست برمی‌آید، انجام بده. گاهی ما انسان‌ها کوتاهی می‌کنیم، بعد از خداوند گله‌مند می‌شویم. نقل شده است حضرت موسی ^(ع) بیمار شد و سراغ طبیب نرفت و درمان نکرد و فرمود: «توکل به خدا می‌کنم». مدتی گذشت و خوب نشد. به خداوند گفت: «من توکل و دعا کردم، چرا خوب نمی‌شوم؟». خطاب رسید که یا موسی! من آن گیاه دارویی را حکیمانۀ خلق کردم، تو با توکلت می‌خواهی حکمت مرا باطل کنی؟ باید دنبال سببش بروی. بنابراین عالم اسباب است، باید از اسباب استفاده کنیم.

حجت‌الاسلام والمسلمین مسعود عالی

همه چیز را به خدا بسپارید

شما اگر ظرفت پهن باشد، هرچه بخواهی، می‌دهند. مرحوم حاج‌آقای دولابی می‌گفتند: هیچ‌وقت درباره خودتان به غیرخدا تکیه نکنید. در همه مسائل، حتی بچه‌هایتان را به خدا بسپارید. بگویند خدایا! تو خودت مواظبش باش. حضرت نوح برای بچه‌اش کم نگذاشت اما [فرزندش] گمراه شد، خامش گمراه شد.

در هر کاری از صمیم دل بگویند خدایا! توکل به تو. من اگر خراب نکنم، آباد هم نمی‌کنم، «کلکم ضال الا من هدیته». (بحارالانوار، علامه مجلسی، ج ۵، ص ۱۶). یعنی همه شما گمراهید، مگر اینکه من خدا هدایتتان کنم. همه‌تان بیچاره‌اید، مگر اینکه من چاره کنم. در راه خدا مثل آتش باشید. در مسائل دنیایی، بی‌خیال ولی در مسائل آخرتی، خیلی سرسخت و بی‌قرار باشید.

حجت‌الاسلام والمسلمین حبیب... فرحزاد

به غیرخدا توکل نکن!

توکل و امید داشتن در تمام امور زندگی، یکی از ویژگی‌های مهم و نقش‌آفرین امام حسین ^(ع) و اصحاب باوفایشان در نهضت عاشورا است. حال شاید این سؤال برای ما پیش بیاید که آیا دلگرمی به هر پشtonه‌ای و به هر تکیه‌گاهی، ارزشمند است؟ توکل به هرکسی، باعث موفقیت و سربلندی فرد می‌شود؟ در پاسخ باید گفت، خبر، توکل به فردی که خود نیازمند اتکاست، امیدواری به پشtonه‌ای که خود از لغزش و شکست مصون نیست و نیاز به دلگرمی دارد، روا نیست. کسانی که به دنبال موفقیت و سربلندی، عزت و امیدواری از راهی و فردی به غیر از خدا هستند، هیچ‌گاه به مقصود خود نمی‌رسند. رسول مکرّم اسلام ^(ص) می‌فرمایند: «لا تتکل الی غیرا... فیکلک ا... الیه، به شخصی غیر از خدا تکیه نکن که خداوند، تو را به او وامی‌گذارد». (مستدرک‌الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۱۷). کوفیان و عمرین سعد به عبید... بن زیاد و یزید، توکل کردند و امیدوار شدند و برای به‌دست آوردن جایزه وعده‌داده‌شده، به مقابله با امام زمانشان پرداختند و نتیجه‌اش را نیز دیدند.

حجت‌الاسلام والمسلمین علیرضا صادقی واعظ